

خود نیز زیر خط فقر بوده است. در تمامی موارد بالا، اگر سرپرست خانواده ۴ یا ۵ نفره، منبع درآمد دیگری به جز مستمری دریافتی از کمیته امداد امام خمینی نداشته باشد، عمق فاجعه آشکارتر می‌گردد و این افراد حتی از تهیه و تأمین نیازهای اولیه زندگی خود نیز عاجز و ناتوان خواهند بود.

همچنین متوسط پرداختی سالانه بنیاد شهید و امور جانبازان به خط فقر، دارای روندی صعودی بوده و از ۲/۶۰ در سال ۷۵ به ۵/۰۶ در سال ۸۰ و سپس با کمی کاهش به ۴/۵۰ در سال ۸۲ رسیده است که بیانگر عملکرد نسبتاً مطلوب بنیاد شهید و امور جانبازان می‌باشد.

در یک نگاه کلی، می‌توان بیان کرد که عملکرد بعد بیمه‌ای، به لحاظ کیفی یا میزان پرداخت مستمری به افراد تحت پوشش خود، مطلوب‌تر از بُعد حمایتی بوده است. اما همانطور که قبلاً نیز اشاره شد، اگر توزیع دریافتی خانوار را بین افراد تحت تکفل فرد مستمری بگیر در نظر داشته باشیم، در این صورت همگی زیر خط فقر خواهند بود.

عدم توسعه تأمین اجتماعی می‌تواند موجب افزایش درصد جمعیت فقیر در کشور گردد، در حالی که توسعه آن با افزایش سهم سالانه از بودجه عمومی کشور و همچنین از محصول ناخالص داخلی و تخصیص منابع بیشتر به بخش حمایتی و افزایش معقول سطح دریافتی مستمری بگیران، می‌تواند موفقیت تأمین اجتماعی را در کاهش فقر به طور چشمگیری افزایش دهد. ■

عملکرد بهتر بعد حمایتی نسبت به بعد بیمه‌ای، از نقطه نظر تعداد افراد مستمری بگیر تحت پوشش این بخش می‌باشد. در این زمینه اشاره به مطالب زیر حایز اهمیت است:

(۱) نسبت متوسط دریافتی مستمری بگیران سازمان تأمین اجتماعی به خط فقر، از ۲/۳ در سال ۷۵ با روندی تقریباً صعودی به ۲/۷۴ در سال ۸۳ رسیده است و دریافتی این افراد در سال‌های مورد بررسی، تقریباً ۲/۵ برابر خط فقر بوده است.

(۲) نسبت متوسط پرداختی به مشترکین حقوق بگیر صندوق بازنشستگی کشوری به خط فقر، از ۲/۸۱ در سال ۷۵ به ۴/۰۹۷ در سال ۸۶ رسیده و دارای روندی صعودی بوده است. این روند در سال‌های ۷۷ و ۷۸، با کاهش محسوس همراه بوده و در ادامه، از سال ۷۹ به بعد روندی صعودی داشته است. این شاخص در بهترین وضعیت خود در سال ۸۱ به ۴/۹۰ رسیده که نشان از عملکرد مطلوب این بخش از تأمین اجتماعی دارد، اما متأسفانه در سال ۸۲ با کمی کاهش به ۴/۲۸ رسیده است.

(۳) متوسط دریافتی سالانه مددجویان دائمی کمیته امداد امام خمینی (ره) به خط فقر، ضعیف‌ترین شاخص بوده و از ۰/۱۵۷ در سال ۷۵ با روند صعودی نسبتاً ضعیفی به ۰/۱۹۶ در سال ۷۸ رسیده و سپس با روندی کاهشی به ۰/۱۵۶ در سال ۸۲ رسیده است که این امر نشان از ثبات و عدم پیشرفت کیفی در میزان پرداخت مستمری به مددجویان دارد. این شاخص در بهترین وضعیت

## اقتصاد جهانی در خطر موج جدید تورم

# اقتصاد جهان در شرف بحران



ورشکستگی بانک‌ها که از بحران بازار اعتباری آمریکا شروع شده است، نگرانی‌های فراوانی را به وجود آورده است. بدتر آن که صندوق بین‌المللی پول (IMF) پیش‌بینی می‌کند، اقتصاد جهانی در نیمه دوم سال ۲۰۰۸، با چالش جدیدی روبه‌رو شود.

بحران مالی - بانکی اخیر ایالات متحده آمریکا که از سال ۱۹۲۹ تاکنون بی‌سابقه بوده، منجر به وقوع پیامدهای منفی فراوانی در بازارهای مالی این کشور گردیده و به سرعت به سایر کشورها در حال سرایت است. در این راستا، می‌توان به

ورشکستگی مؤسسه مالی لیمن و همچنین بزرگ‌ترین مؤسسه پس‌انداز و وام آمریکا، واشنگتن میوچوال، اشاره کرد. به گزارش واحد اطلاعات و اخبار ماهنامه «اقتصاد ایران»، علیرغم مصوبه جدید کنگره آمریکا، این مسأله در آینده نزدیک بحرانی‌تر خواهد شد.

به علاوه، تورم شدید در نیمه دوم سال جاری، موجب کندی رشد اقتصادی در بسیاری از کشورهای جهان شده و باعث خواهد شد، اقتصاد کشورهای در حال توسعه با چالش‌های بزرگی مواجه شوند. چشم‌انداز اقتصاد جهانی (WEO) که توسط مؤسسه IMF منتشر شده است، پیش‌بینی می‌کند رشد اقتصادی جهان که در سال گذشته برابر با ۵ درصد بود، در سال جاری به رقم ۴/۱ درصد و در سال آتی یعنی ۲۰۰۹، به رقم ۳/۹ درصد کاهش یابد. گرچه در اوایل سال ۲۰۰۸ رشد اقتصادی در ایالات متحده، منطقه اروپا و ژاپن اندکی بهتر از پیش‌بینی‌های WEO بود، ولی تورم شدید و عدم توانایی کشورها در کنترل این روند، نیمه دوم سال ۲۰۰۸ را به کابوسی برای این کشورها مبدل ساخته است. ژاپن که دارای پویاترین اقتصاد جهان است و همواره از رشد اقتصادی چشمگیری برخوردار بوده، در نخستین روزهای نیمه دوم سال ۲۰۰۸، با چالش‌های شدید اقتصادی روبه‌رو شده و پیش‌بینی می‌شود در تأمین سوخت مورد نیازش، اختلال جدی به وجود بیاید.

پیشرفت و ترقی کشورهای در حال توسعه نیز تحت تأثیر موج جدید تورم جهانی خواهد بود. پیش‌بینی می‌گردد، رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه که در سال ۲۰۰۷ برابر با ۸ درصد بوده است، در پایان سال ۲۰۰۸ به رقم ۷ درصد کاهش یابد. رشد

اقتصادی چین نیز که در سال ۲۰۰۷ برابر با ۱۲ درصد اعلام شده بود، به طور یقین با مشکل تورم روبه‌رو خواهد شد و به مقدار قابل توجهی کاهش خواهد یافت.

پیش‌بینی می‌شود رشد اقتصادی چین در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ حدود ۱۰ درصد باشد. البته اگر بازار سوخت و انرژی، بیش از این بحرانی و متشنج نشود. تورم و گرانی بسیاری از محصولات تجاری به دلیل افزایش بهای انرژی، موجب کاهش تقاضا در بازارهای جهانی، به خصوص در بازار کشورهای توسعه یافته گردیده و ادامه روند روبه‌رشد تورم جهانی، موجب ناامیدی کارشناسان از رشد قابل توجه اقتصاد جهانی در سال‌های آتی شده است.

در حالی که پیش‌بینی مؤسسه‌های بین‌المللی بررسی‌کننده اقتصاد و تجارت جهانی همچون IMF، حاکی از کاهش رشد اقتصاد جهانی در سال‌های آتی است، بحران بازار جهانی سوخت و انرژی همچنان ادامه دارد و هر روز قیمت سوخت و در نتیجه قیمت محصولات و کالاهای تجاری بالاتر می‌رود. این روند سریع افزایش تورم، موجب ایجاد چالش‌های مالی جدی در اقتصاد جهانی، به خصوص در کشورهای در حال توسعه شده است. اما در کشورهای توسعه یافته، فشار بالای تورم به طور یکنواخت، با کاهش تقاضا و افزایش تدریجی و نامحسوس قیمت‌ها کنترل می‌شود و گاهی دولت‌ها با ایجاد ثبات در قیمت‌ها و انتقال بار مالی به کشورهای در حال توسعه و کشورهای مصرف‌کننده محصولاتشان، قدری از شدت تأثیر منفی تورم می‌کاهند.

پیش‌بینی می‌شود، موج تورم در سال آتی فراتر از ظرفیت چنین راهکارهایی باشد و ممکن است کشورهای توسعه یافته نیز، دیگر نتوانند فشار تورم را به طور مصنوعی مهار کنند.

در کشورهای در حال توسعه، تبعات منفی تورم خیلی سریع‌تر و عمیق‌تر خود را نشان می‌دهد. بسیاری از این کشورها، مصرف‌کنندگان بزرگ محصولات

خواهد داشت و آیا ظرفیت جذب‌کننده کاهش تقاضا و مصرف همچنان قادر به کنترل و مهار تورم خواهد بود؟

گزارش چشم‌انداز اقتصاد جهانی IMF، بیان می‌کند: بسیاری از کشورهای در حال توسعه، با تجدیدنظر در برنامه‌های مالی و اعتباری خود، سعی در مهار مصنوعی و مجازی تورم جهانی دارند که کاهش رشد اقتصادی، یکی از این راهکارها است. اعمال قانون‌های مالی و اعتباری شدیدتر و افزایش درآمدهای مالیاتی از دیگر روش‌های کنترل تورم است که در کشورهای در حال توسعه به کار می‌رود. در حالی که ایجاد تغییر اساسی در برنامه‌های کلان کشور و بازنگری در نظام مدیریتی، از راهکارهای اصولی مهار تورم است که هرگز مورد توجه و علاقه این دولت‌ها نمی‌باشد. در این مقطع در کشورهای توسعه یافته، اعمال قانون‌های مالی و اعتباری و افزایش درآمدهای مالیاتی، چندان مورد توجه نبوده و افزایش درآمدهای فردی مورد توجه قرار دارد و با وجود کاهش تدریجی رشد اقتصادی، کسی علاقه‌مند به اعمال فشار به مصرف‌کنندگان داخلی و مهار تورم از طریق افزایش درآمدهای داخلی نمی‌باشد چراکه قدرت خرید به طور منظم روبه‌کاهش است و همین موضوع، کاهش تدریجی تقاضا و مصرف را به همراه دارد. از آنجایی که این کاهش، در کشورهای توسعه یافته ظرفیت بالایی در جذب اثر تورم دارد، پیش‌بینی می‌شود کاهش رشد اقتصادی در این کشورها به کندی صورت پذیرد. ■

کشورهای توسعه یافته هستند و بدون واردات از کشورهای توسعه یافته، نمی‌توانند نیازهای اساسی بخش صنعت، نظامی و بسیاری دیگر از نیازهای خود را تأمین کنند. افزایش بهای سوخت و انرژی، افزایش هزینه‌های ثابت تولید و افزایش حقوق کارکنان، نوعی تورم موضعی را در بخش تولید ایجاد می‌کند. کشورهای توسعه یافته برای نجات از تبعات ویرانگر این تورم، به جای افزایش یکنواخت قیمت محصولات و افزایش درآمدهای داخلی، تنها درآمدهای خارجی را افزایش می‌دهند و بار مازاد تورم را بر دوش کشورهای در حال توسعه می‌اندازند. به این ترتیب، محصولات صادراتی به کشورهای در حال توسعه به طور غیرمنطقی و ناهمگون، افزایش قیمت یافته و موجب بروز مشکلات بیشتر در این کشورها می‌شود. بنابراین، چالش اقتصادی، خیلی زودتر و جدی‌تر، گریبان کشورهای در حال توسعه را خواهد گرفت و رشد اقتصادی این کشورها با کاهش ناگهانی روبه‌رو خواهد شد. قیمت‌های بالای سوخت و محصولات غذایی، موجب نگرانی کشورهای در حال توسعه شده است و این نگرانی‌ها در کشورهای مصرف‌کننده سوخت، عمق بیشتری دارد.

بسیاری از کارشناسان اقتصادی معتقدند، کاهش تقاضا و مصرف، ظرفیت بسیار بالایی در جذب تبعات منفی تورم دارد و از این طریق، می‌توان تورم حاکم را به نسبت قابل توجهی مهار کرد. این راهکار در کشورهای توسعه یافته، ظرفیت مهار اثرات منفی تورم را به همراه دارد. حال پرسش این است: افزایش تورم تا چه زمانی ادامه

## چالش بهره‌وری در ایران

# بهره‌وری، گمشده اقتصاد کشور



نگاه دکتر سعید شیرکوند، کارشناس مسایل اقتصادی و استاد دانشگاه تهران به موضوع بهره‌وری در نظام اقتصادی ایران

اقتصادی هر کشور با شاخص بهره‌وری، رابطه‌ای مستقیم وجود دارد.

در یک نگرش کلی در جهان کنونی،

کشورها از نظر پیشرفت در مدیریت بهره‌وری به دو دسته تند و کند تقسیم می‌شوند. در دنیای رقابت‌آمیز کنونی، بهره‌وری به عنوان یک فلسفه و یک دیدگاه فکری مبتنی بر استراتژی بهبود، مهم‌ترین هدف نهادها، سازمان‌ها و حتی دولت‌ها می‌باشد. اگر بتوانیم از سرمایه‌ها و منابع موجود، خصوصاً نیروی انسانی در دسترس، بهترین استفاده را برده و آنها را در جهت مشارکت بیشتر انگیزه‌مند کنیم، گام‌های نخستین را در راستای توسعه جامعه برداشته‌ایم که این مهم با بهره‌وری ممکن می‌شود. با آموزش و گسترش فرهنگ بهره‌وری، می‌توان ارتباطات و انتقال اطلاعات را بهبود بخشید و از طرف دیگر منافع گروه‌های فردی، سازمانی و ملی را به روشی خردمندانه، هم جهت و هم افزا ساخت. در این صورت است که به افزایش همه‌جانبه توسعه و بهبود کیفیت کاری خواهیم رسید.

بهره‌وری و از جمله ثمرات آن، اثربخشی (انتخاب کارهای درست) و کارایی (انجام درست کار)، موجبات رشد درآمد ملی را فراهم می‌آورند، زیرا از طریق افزایش این دو مؤلفه می‌توان از منابع موجود مفیدترین استفاده را برده و کیفیت نیروی انسانی را افزایش داد. در این حالت است که دیگر لزومی به اضافه کردن منابع جدید نیست. بهره‌وری به دلیل آن که قابلیت افزودن بر عوامل تولید مؤثر و کاستن از عوامل بلا استفاده را دارد، بهره‌بردار از منابع را بهبود می‌بخشد.

ساختار نامناسب نظام اقتصادی و اداری ایران، زمینه شکل‌گیری بینش یکپارچه و سیاست مناسب برای افزایش بهره‌وری را ایجاد نمی‌کند. بخش بزرگی از ساختار اقتصادی ما دولتی با ماهیتی درون‌گرا است که باعث تشکیل دستگاه‌های عریض و طویل بوروکراتیک و موازی شده است. در بسیاری از مواقع، نظارت و ارزیابی کارکردهای این نظام امکان‌پذیر نبوده و در

یکی از اصلی‌ترین مشکلات و چالش‌های موجود در بخش‌های مختلف اقتصاد، در خصوص بکارگیری نهاده‌های تولید و دستیابی به مکانیزم‌های مناسب در استفاده از عوامل تولید است. مشکلاتی از قبیل نامناسب بودن دانش و مهارت در بکارگیری عوامل تولید، خصوصاً نیروی انسانی، ناآگاهی از عملکرد فرایند سازمانی و ارزش افزوده فعالیت‌های مختلف سازمانی و غیره، از عوامل عدم موفقیت در بکارگیری بهینه نهاده‌ها است که ناآگاهی و یا کم‌اطلاعی در این موارد و عدم اتخاذ خط‌مشی‌های مناسب و صحیح برای رفع آن، موجب پایین‌تر رفتن آن نیز می‌شود. انتخاب درست نهاده‌ها و استفاده صحیح از آنها که در برگزیده اثر بخشی و کارایی می‌باشد، در مباحث اقتصادی، بهره‌وری نامیده می‌شود که به عنوان یکی از مهم‌ترین و ضروری‌ترین الزامات رشد و توسعه اقتصادی جوامع می‌باشد. بهره‌وری به عنوان یک تفکر، فرهنگ و نگرش، نه به عنوان یک پدیده اقتصادی و صنعتی، تأثیر زیادی بر رشد و پیشرفت نهادها، مؤسسات و شرکت‌ها دارد.

شکست‌ها و ناکامی‌ها در نهادها و شرکت‌ها، می‌تواند با یک تعریف شفاف و روشن از بهره‌وری، به صورت شاخص بهره‌وری مورد شناسایی قرار گرفته و با ایجاد اصلاحات در ساختار آن کاهش یافته و با بهره‌گیری از این شکست‌ها و اتخاذ تصمیمات بهینه، هر روز می‌توان انتظار بهبود این شاخص‌ها را داشت که تلاش برای بهبود بهره‌وری، تلاش برای زندگی بهتر افراد و جامعه است. تئوری‌های علمی و مطالعات تجربی نشان می‌دهد که اهمیت بهره‌وری در نتیجه توسعه سیستم‌های نرم‌افزار مدیریتی، بیش از مشارکت و افزایش کمی عوامل کار و سرمایه در جریان تولید مؤثر بوده است.

پایین بودن سطح بهره‌وری از مهم‌ترین ویژگی‌های کشورهای کمتر توسعه یافته است. به همین دلیل، امروزه همه کشورهای جهان در پی استفاده بهینه از منابع هستند، به طوری که همواره می‌کوشند با استفاده از منابع کمتر به مقدار تولید ملی بیشتری دست یابند، زیرا میان رشد و شکوفایی کلیه شاخص‌های